

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

نویسنده: ولادیمیر پراخواتیلوف (VLADIMIR PROKHVATILOV)

برگردان: ا. م. شبیری

۲۳ اپریل ۲۰۲۴

## اسرائیل - ایران



تعادل خطرناک در «لبه هرج و مرج»

شانس دولت یهود برای بقای بلندمدت به حمایت امریکا بستگی دارد

وقوع درگیری نظامی بین اسرائیل و ایران بسیاری از تحلیلگران را وادار کرده است تا شانس دولت یهود برای بقای بلندمدت را در مقیاس سرنوشت نظامی بسنجند. در شرایط موجود، کشورهای غربی اجازه نخواهند داد که ایران یا دیگر مخالفان اسرائیل شکست نظامی سختی به آن وارد کنند. این کاملاً واضح است. اما در ادامه چه اتفاقی خواهد افتاد؟

رویارویی اسرائیل و ایران یکی از حادثترین و حل نشدنی‌ترین رویارویی‌ها در خاورمیانه است. چرا ایران، به عنوان یکی از اولین کشورهای که دولت اسرائیل را به رسمیت شناخت، امروز دشمن سرسخت دولت یهود است؟ دلیل این امر، بی‌شک، تلاش‌های ناموفق اسرائیل برای متحد کردن خاورمیانه علیه جمهوری اسلامی با کمک برخی از دستگاه‌های غربی است.

روابط بین دو کشور و نخبگان سیاسی آن‌ها همیشه با خصومت آشکار مشخص نمی‌شد. ایران به عنوان دومین کشور مسلمان پس از ترکیه، کشور اسرائیل را در ۶ مارچ ۱۹۵۰ به رسمیت شناخت. ایران یکی از ۱۱ کشور عضو کمیته ویژه سازمان ملل متحد در مورد فلسطین بود که برای تقسیم اراضی بین اسرائیل و فلسطین تصمیم گرفت. به رغم این، تهران به این طرح رأی منفی داد و بروشنی درک می‌کرد که این طرح به رویارویی نظامی بین اعراب فلسطینی و یهودیان منجر خواهد شد. از سال ۱۹۴۸ تا ۱۹۷۹، درست تا زمان انقلاب اسلامی، دو کشور نه تنها شرکای استراتژیک، بلکه متحدان واقعی بودند و در حوزه‌های نظامی و اقتصادی همکاری می‌کردند. در آن زمان این کاملاً

قابل درک بود [این بخش نیاز به تصحیح و تدقیق دارد: ایران به تشکیل اسرائیل در سال ۱۹۴۸ رأی منفی داد. دو سال بعد، یعنی در سال ۱۹۵۰ به رسمیت شناخت. دولت ملی زنده یاد دکتر مصدق آن را لغو کرد. اما دولت ایران بعد از کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ دوباره به رسمیت شناخت].

یهودیان از قدیم الایام در خاک ایران زندگی می‌کردند و هیچ تضاد لاینحلی بین دو قوم شرقی وجود نداشت و حتی برنامه‌ریزی هم نمی‌شد. یهودیان از زمان کوروش کبیر، پادشاه امپراتوری هخامنشی دائماً در ایران حضور داشته‌اند. کوروش با شکست و تصرف بابل، یهودیان را از اسارت بابل آزاد کرد [البته، تمام شواهد حاکی از این است که یهودیان هنوز هم در ایران حضور خیلی قوی دارند، حتی بیشتر از هر کشور دیگر. منتها، به صورت پنهان و پوشیده در نهادهای دولتی].

پس از شروع آزار و اذیت یهودیان در عراق و تجزیه فلسطین، پادشاهی ایران از پناهندگان بین‌النهرین استقبال کرد. در زمان محمدرضا پهلوی اسرائیل به عنوان میانجی بین ایران و امریکا عمل می‌کرد. از نظر دولت یهود، ایران مانند ترکیه، یک کشور غیرعربی دوست اسرائیل و یک دولت به اصطلاح «پیرامونی» بود. پس از جنگ شش روزه سال ۱۹۶۷، عملیات نظامی اسرائیل علیه ائتلاف عربی مصر، سوریه، اردن، عراق و الجزایر، تحریم نفتی علیه اسرائیل اعمال شد. ایران تنها کشوری بود که به اسرائیل نفت می‌رساند، کارمندان سرویس مخفی اسرائیل را آموزش می‌داد و کالاهای اسرائیلی را به طور گسترده وارد می‌کرد. ایران و اسرائیل دو سال قبل از انقلاب اسلامی برای توسعه راکتی، کار بر روی پروژه «گل» را که می‌توانست به کلاهک هسته‌ای مجهز شود، آغاز کردند.

پروژه «گل» یک پروژه نظامی مشترک بین اسرائیل و ایران برای کپی مشترک راکت امریکائی با قطعات ساخت اسرائیل بود که می‌توانست به کلاهک هسته‌ای مجهز شود. این راکت شامل تجهیزات ناوبری و دستگاه هدایت امریکائی بود.

جنرال حسن طوفانیان، معاون وزیر جنگ ایران در ۱۸ جولای ۱۹۷۷، از اسرائیل دیدن کرد و در آنجا با موشه دایان، وزیر امور خارجه و ایزر وایزمن، وزیر دفاع ملاقات کرد. آن‌ها درباره یکسری پروژه‌های نظامی مشترک اسرائیل و ایران، از جمله، در مورد پروژه «گل» مذاکره کردند. هدف این پروژه توسعه راکت ضد کشتی گابریل با برد بلندتر و نوع تحت البحری پرتاب آن در آینده بود. همچنین نگرانی‌های ایران از تحولات راکتی و هسته‌ای در هند و پاکستان مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

در سال ۱۹۷۸، ایران ۲۸۰ میلیون دالر نفت به عنوان پیش پرداخت به اسرائیل عرضه کرد. تیمی از متخصصان ایرانی ساخت یک کارخانه مونتاژ راکت در نزدیکی سیرجان در جنوب مرکزی ایران و یک مرکز آزمایش راکت در نزدیکی رفسنجان را آغاز کرده‌اند.

به گفته یک منبع ارشد نظامی اسرائیل، تمام پروژه‌های دفاعی با ایران تقلبی بوده است. در هر یک از شش پروژه مشترک، اسرائیلی‌ها در حالی که از پول ایران برای ساخت نسل جدید تسلیحات و استفاده انحصاری از آن‌ها استفاده می‌کردند، قصد داشتند ایرانی‌ها را فقط با ارائه نسخه‌های منسوخ شده سلاح‌های مورد نظر فریب دهند. یاکوف شاپیرو، یکی از مقامات وزارت دفاع و مسؤل هماهنگی مذاکرات با ایران از سال ۱۹۷۵ تا ۱۹۷۸ می‌گوید: «در ایران با ما مانند پادشاهان رفتار می‌شد. ما در ابعاد حیرت‌انگیزی با آن‌ها تجارت می‌کردیم. بدون ارتباط با ایران، ما پولی برای توسعه تسلیحاتی که امروز در خط مقدم دفاع از کشور اسرائیل هستند، نداشتیم».

اما در بهمن- دلو- ۱۳۵۷ محمدرضا پهلوی زیر شعارهای انقلاب اسلامی سرنگون شد و پروژه «گل» به سرعت تعطیل گردید. مهندسان و پرسنل نظامی اسرائیلی به وطن خود بازگشتند و نقشه‌های راکتی را به آنجا ارسال کردند. تا سال ۱۹۷۹، اسرائیل بیش از یک میلیارد دلار برای پروژه‌های مشترک، از جمله، بهره‌برداری از خط لوله نفت ترانس اسرائیل که نفت ایران را به کشورهای اروپائی انتقال می‌داد، به ایران بدهکار بود.

با این حال، وضعیت سیاسی در منطقه حتی قبل از انقلاب اسلامی، بشدت شروع به تغییر کرد. با مرگ جمال عبدالناصر، رئیس جمهور مصر و دشمن سرسخت اسرائیل و ایران، روابط ایران و مصر به گرمی گرائید. پس از امضای توافقنامه ایران و عراق در سال ۱۹۷۵، تهران حمایت از جدائی‌طلبان کرد در کشور همسایه را متوقف کرد. همه این‌ها اهمیت ستراتیژیک اسرائیل برای ایران را به میزان قابل توجهی کاهش داد.

در عین حال، در خود ایران، روحانیت اسلامی با تکیه بر لایه‌های وسیع دهقانان، بسیاری از ساکنان شهرها و طبقه متوسط نیرو گرفت. رهبران دینی خواستار پایان دادن به روابط با اسرائیل شدند. از این رو، آیت‌الله روح‌الله خمینی، رهبر آینده انقلاب اسلامی، در سال ۱۹۷۱ ابراز تأسف کرد که «اسرائیل در تمام عرصه‌های زندگی کشور - اقتصادی، نظامی و سیاسی - نفوذ کرده و کشور را به پایگاه نظامی خود تبدیل نموده است». خمینی در بازگشت از تبعید در سال ۱۹۷۹، رابطه خود را با «مجموعه صهیونیستی» قطع کرد و ساختمان سفارت اسرائیل را در اختیار دفتر سازمان آزادیبخش فلسطین قرار داد.

علی‌رغم قطع رسمی روابط، برخی از روابط بین دو کشور در طول دهه ۱۹۸۰ به دلیل رویارویی ایران و عراق که توسط غرب تحریک شده بود، حفظ شد. اسرائیلی‌ها کمک به ایران را در مرحله‌ای که آن را «شیطان ضعیف‌تر» تلقی می‌کردند، در مبارزه با رژیم صدام حسین ممکن می‌دانستند. از سال ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۸، در حالی که رویارویی خونین بین عراق و ایران ادامه داشت، اسرائیل تسلیحات (عمدتاً در ازای نفت) و مربیان نظامی برای آموزش نیروهای ایرانی در اختیار ایران قرار داد. علاوه بر این، به طور غیرمستقیم پشتیبانی هوایی به عمل آورد (در جریان عملیات نظامی «اُپرا»، نیروی هوایی اسرائیل راکتور هسته‌ئی «اوزیراک» عراق را منهدم کرد). اما تهران هنوز هم این موضوع را تکذیب می‌کند.

پس از شکست عراق در جنگ خلیج فارس در سال ۱۹۹۱، دشمنان اصلی کشور آیت‌الله العظمی [خمینی]، امریکا، «شیطان بزرگ» و اسرائیل، متحد منطقه‌ئی سابق، «شیطان کوچک» نامیده شدند. در دهه ۱۹۹۰، ایران به دشمن ستراتیژیک اصلی اسرائیل تبدیل شد.

علی‌رغم این که بنیامین نتانیاهو برای اولین بار ایران را یک تهدید هسته‌ئی اعلام کرد، اسلاف او، اسحاق رابین و شیمون پرز فعالانه به ترویج این ایده شروع کردند که جمهوری اسلامی یک خطر جدی برای کل جهان است. اگر چه رابین در سال ۱۹۸۷ ایران را «بهترین دوست اسرائیل» نامید، اما یک سال بعد اعلام کرد که تهران توسط «رژیم سیاه و مرگبار» اداره می‌شود.

در طول دهه‌های بعدی، دشمنی بین اسرائیل و ایران شدت گرفت، اما هرگز به آستانه یک جنگ تمام عیار کشیده نشد. روابط دو کشور نه تنها بر اساس ایدئولوژی آن‌ها، بلکه بر اساس منافع ژئوپلیتیک و توازن قوای خاص در منطقه خاورمیانه معین می‌شود.

در واقعیت امر، نه تهران و نه بیت‌المقدس غربی قصد ندارند جنگ تمام عیار بین خود راه بیندازند. رویترز به نقل از یک منبع ناشناس در وزارت خارجه ترکیه می‌نویسد که ایران در مورد گلوله باران قریب‌الوقوع اراضی اسرائیل به ترکیه اطلاع داد. منبع آژانس رویترز همچنین مدعی است امریکا به ایران هشدار داده است که

پاسخ ایران نباید از «حدود معینی» فراتر برود. حسین امیرعبداللہیان، وزیر امور خارجه ایران روز یکشنبه گفت که این کشور سه روز قبل از حمله آتی به همسایگان خود اطلاع داده بود.

ایران در شب ۲۳ فروردین-حمل- حدود ۳۰۰ راکت به اهداف نظامی «دشمن صهیونیستی» شلیک کرد و این دقیقاً در حد توان پدافند هوایی اسرائیل بود. به این دلیل، بیشتر راکت‌ها سرنگون شدند، اما به نظر می‌رسد برخی از آن‌ها به اهداف خود رسیده‌اند و باعث آسیب جزئی شده‌اند.

به گزارش [نیویورک تایمز](#)، بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل پس از مذاکره با جو بایدن، رئیس‌جمهور امریکا، از انتقام علیه ایران خودداری کرد.

دو مقام بلندپایه اسرائیلی به این نشریه گفتند که برخی از اعضای «کابینه جنگ» نتانیاهو خواستار حمله تلافی‌جویانه شدند، اما بی‌بی‌سی خشمگین پس از مذاکره تلفونی با بایدن از این ایده صرف‌نظر کرد. به گزارش [وای نت](#)، مقامات اسرائیلی درباره امکان حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران در پاسخ به حمله راکتی مذاکره کردند.

به این ترتیب، هیچ‌یک از طرفین، بدون این که از خط یک درگیری نظامی خطرناک منجر به رویارویی در سطح جهانی با چشم‌انداز تبدیل شدن به جنگ جهانی عبور کند، از لبه هرج و مرج عبور نمی‌کند.

با این حال، شانس بقای اسرائیل در محیط متخاصم کشورهای مسلمان در درازمدت، فقط به حمایت قدرتمند نه تنها امریکا، بلکه کل غرب جمعی بستگی دارد.

با در نظر گرفتن عدم تعادل جمعیتی فزاینده بین دولت یهود و جهان اسلام در گرداگرد آن (از جمله در قلمرو فلسطین تاریخی)، امریکا در عین بیرون کشیدن مکرر «ناو هواپیما بر غرق نشدن» خود از داخل آخرین درگیری‌ها با همسایگانش، هر چه جلوتر می‌رود، تمایل کمتری برای قرار دادن قدرت نظامی خود در کفه ترازوی ژئوپلیتیک نشان می‌دهد [منظور از «ناو هواپیما بر غرق نشدن»، اسرائیل است].

**مطالب داخل [...] از مترجم است**

منبع: [بنیاد فر هنگ ستراتیژیک](#)

۲ اردیبهشت- ثور ۱۴۰۳